

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه هرزگان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

نمادشناسی حیوانات

کلیله و دمنه بر مبنای اساطیر هند و ایران

استاد راهنما:

دکتر فزاتک جهانگرد

استاد مشاور:

دکتر مصطفی صدیقی

دانشجو:

طیبه گلستانی

تیرماه 1388

به نام خدا

نمادشناسی حیوانات

کلیله و دمنه بر مبنای اساطیر هند و ایران

بوسیله‌ی:

طیبه گلستانی حتکنی

پایان نامه:

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه

کارشناسی ارشد در رشته‌ی:

زبان و ادبیات فارسی

از دانشگاه هرمزگان

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه:

دکتر فرانک جهانگرد استادیار بخش زبان و ادبیات فارسی (رئیس کمیته)...

دکتر مصطفی صدیقی استادیار بخش زبان و ادبیات فارسی (مشاور)...

دکتر جواد دهقانیان (داور داخلی)...

دکتر زهرا ریاحی (داور خارجی)...

تیرماه 1388

تقدیم به :

پدر و مادر عزیزم و خواهرم فاطمه

سپاسگزاری:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ، وَ أَنْطِقُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَ لَا غَايَةَ لِمَدْحِكَ، وَ أَثْنِي عَلَيْكَ وَ مَنْ يَبْلُغُ غَايَةَ ثَنَائِكَ.»

نگارنده‌ی این سطور بر خود لازم می‌داند که از زحمات و مساعدت‌های بی‌دریغ خانم دکتر فرانک جهانگرد و آقای دکتر مصطفی صدیقی، که در راهنمایی اینجانب و فراهم آوردن منابع، بیشترین نقش را داشتند و همواره بر روش صحیح تحقیق علمی و حفظ اخلاق علمی، تأکید می‌ورزیدند، نهایت سپاس خود را ابراز دارد. «یزد تبارک و تعالی، انواع تمتع و برخورداری از موسم جوانی و ثمرات علم را به ایشان ارزانی دارد، بمنه و رحمته و حوله و قوته.»

بدیهی است اگر این تحقیق، نکات بدیعی را در خود جای داده باشد و نقطه‌ی قوتی در آن مشاهده شود به سبب اطلاعات و مساعدت‌های بی‌دریغ اساتید راهنما و مشاور است و هر گونه نقص و اشتباهی را نگارنده، عهده‌دار خواهد شد. شایسته است از دیگر اساتید دانشگاه هرمزگان که حق بزرگی بر گردن اینجانب دارند تشکر کنم. از راهنمایی‌های دکتر سعید حسامپور، دکتر محمد فاضلی - (مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد و استاد دانشگاه فردوسی) که دلسوزانه و ساعت‌ها در مورد تحقیق، نگارنده را راهنمایی و برخی پایان‌نامه‌ها و مقالات را در اختیار اینجانب گذاشتند - دکتر محمدجعفر یاحقی، دکتر مهدخت پورخالقی که با اطلاعات ارزشمند و تخصصی خود مرا یاری کردند، و همچنین از آقای وحید گلستانی، خانم فاطمه گلستانی، نجمه کاویانی و نصرت صفی‌نیا که سهم ارزشمندی را در دسترسی نگارنده به منابع داشتند سپاسگزار و برای این بزرگواران، طول عمری پر بار و با برکت را آرزومندم.

چکیده:

حضور مؤثر حیوانات در حیات آدمی باعث شده که این موجودات ابتدا در حیات اساطیری و سپس به شکل نمادین در خدمت اندیشه‌های انسان قرار گیرد. قابل توجه است که حیوانات علاوه بر حضور در اساطیر و حماسه‌ها، بعدها در داستان‌های عرفانی، تعلیمی و حکایات پندآموز نیز نقش - آفرینی می‌کنند.

یکی از آثاری که حیوانات در آن ایفای نقش می‌کنند «کلیله و دمنه» است که اصل آن به نام «پنج‌تترا» از سرزمین هند و جایگاه رواج و شهرت آن در سرزمین ایران بوده است و در میان هر دو ملت ایران و هند جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد. با تأمل در نقش و کنش حیوانات این اثر مشاهده می‌شود حیوانات نقش‌آفرین آن، روزگاری کهن دارای نقش و جایگاه مهمی در اساطیر بوده‌اند. برخی حیوانات آن همچنان پشتوانه‌ی اساطیری و نمادین خود را حفظ کرده‌اند و کنش‌های آن‌ها نیز مطابق جنبه‌ی نمادین‌شان در اساطیر است.

نگارنده در پژوهش حاضر به نمادشناسی حیوانات کلیله و دمنه بر مبنای اساطیر هند و ایران و مقایسه‌ی پشتوانه‌ی اساطیری آن‌ها در دو سرزمین و همچنین به بررسی کنش‌های این حیوانات در حکایت‌های کلیله و دمنه، پرداخته است. ساختار پژوهش در نگاهی گذرا چنین است: فصل اول شامل «کلیات» است و فصل دوم به نمادشناسی حیوانات «کلیله و دمنه» بر مبنای اساطیر هند و ایران اختصاص دارد. در فصل سوم، کنش‌های حیوانات در «کلیله و دمنه» و ساختار چند حکایت، مورد مقایسه و بررسی قرار می‌گیرد. فصل چهارم، شامل نگاهی هر چند گذرا، به جایگاه «کلیله و دمنه» در چند اثر عرفانی است. در فصل پنجم نتیجه‌ی مباحث این پژوهش بیان خواهد شد.

فهرست مطالب:

فصل اول: کلیات

- 1- مقدمه..... 2
- 1-1: نماد..... 2
- 2-1: نماد و اسطوره..... 4
- 3-1: جایگاه حیوانات در اساطیر..... 6
- 2- ضرورت تحقیق..... 9
- 3- اهداف تحقیق..... 10
- 4- روش تحقیق..... 10
- 5- پیشینه تحقیق..... 13

فصل دوم: نمادشناسی

۱- حکایت «مرد در چاه»

- بخش اول: خلاصه حکایت..... 15
- بخش دوم: نمادشناسی..... 17
- 1- زنبور..... 17
- 2- شتر..... 17
- 3- مار..... 18
- 4- موش..... 19
- 5- درخت..... 21
- 6- چاه..... 21
- بخش سوم: تحلیل حکایت..... 24
- 2- حکایت «شیر و گاو»
- بخش اول: خلاصه حکایت..... 26
- بخش دوم: نمادشناسی..... 27
- 1- گاو..... 27

- 28.....1-1: گاو در اساطیر ایران.....
- 28.....1-1-1: قربانی گاو در آیین میتراپی.....
- 29.....2-1-1: قربانی گاو در آیین زرتشتی.....
- 30.....3-1-1: جمشید و قربانی گاو.....
- 31.....4-1-1: فریدون و گاو «برمایه».....
- 32.....2-1: گاو در اساطیر هند.....
- 32.....1-2-1: ایندرا و گاو.....
- 33.....2-2-1: شیوا و ورزوا.....
- 34.....3-1: فلسفه‌ی قربانی گاو.....
- 35.....4-1: ارتباط گاو و زن با باران و حیات.....
- 37.....5-1: بن‌مایه‌ی مرگ و زندگی.....
- 38.....6-1: نمادشناسی گاو.....
- 39.....2- شیر.....
- 39.....1-2: شیر در اساطیر ایران.....
- 41.....2-2: شیر در اساطیر هند.....
- 42.....1-2-2: ویشنو.....
- 42.....2-2-2: دوی.....
- 42.....3-2-2: گانشه.....
- 43.....4-2-2: شیوا.....
- 43.....3-2: نمادشناسی شیر.....
- 44.....3- شغال.....
- 44.....1-3: شغال در ایران.....
- 45.....2-3: شغال در هند.....
- 45.....3-3: نمادشناسی شغال.....
- 45.....بخش سوم: تحلیل حکایت.....
- 3- حکایت «مرغ باران»
- 47.....بخش اول: خلاصه حکایت.....
- 48.....بخش دوم: نمادشناسی.....

48.....	1- طیطوی.....
49.....	2- گرودا.....
50.....	3- سیمرغ.....
50.....	3-1: سیمرغ در اوستا.....
51.....	3-2: سیمرغ در شاهنامه.....
52.....	بخش سوم: تحلیل حکایت.....
	4- حکایت «ملک پیلان و خرگوش»
56.....	بخش اول: خلاصه حکایت.....
56.....	بخش دوم: نمادشناسی.....
56.....	1- خرگوش.....
57.....	1-1: خرگوش در ایران.....
57.....	1-2: خرگوش در هند.....
58.....	1-3: نمادشناسی خرگوش.....
59.....	2- فیل.....
59.....	2-1: فیل در ایران.....
60.....	2-2: فیل در هند.....
61.....	2-3: نمادشناسی فیل.....
61.....	بخش سوم: تحلیل حکایت.....
62.....	1- ماه در ایران.....
63.....	2- ماه در هند.....
64.....	3- ماه و زن.....
65.....	4- ارتباط آب و ماه در ایران.....
65.....	5- ارتباط آب و ماه در هند.....
67.....	6- ارتباط ماه و مرگ.....
	5- حکایت «بوف و زاغ»
68.....	بخش اول: خلاصه حکایت.....
70.....	بخش دوم: نمادشناسی.....

70.....	1- زاغ (کلاغ).....
70.....	1-1: زاغ (کلاغ) در ایران.....
71.....	2-1: زاغ (کلاغ) در هند.....
71.....	3-1: نمادشناسی زاغ (کلاغ).....
72.....	2- جغد.....
72.....	1-2: جغد در ایران.....
72.....	2-2: جغد در هند.....
73.....	3-2: نمادشناسی جغد.....
73.....	بخش سوم: تحلیل حکایت.....
73.....	1- خویشتکاری زاغ در باب «بوف و زاغ».....
74.....	1-1: چاره‌جویی زاغ با آتش.....
75.....	2- خویشتکاری جغد در باب «بوف و زاغ».....
76.....	1-2: غار.....
78.....	4- تقابل نمادین زاغ و جغد.....
	6- حکایت «سیاح و زرگر»
79.....	بخش اول: خلاصه حکایت.....
80.....	بخش دوم: نمادشناسی.....
80.....	1- مار.....
80.....	1-1: مار در ایران.....
81.....	2-1: مار در هند.....
82.....	3-1: نمادشناسی مار.....
84.....	2- ببر.....
84.....	1-2: ببر در ایران.....
85.....	2-2: ببر در هند.....
86.....	3-2: نمادشناسی ببر.....
86.....	3- بوزینه (میمون).....
87.....	1-3: بوزینه در ایران.....

87.....	2-3: بوزینه در هند
88.....	3-3: نمادشناسی بوزینه
88.....	بخش سوم: تحلیل حکایت
	7- دیگر حیوانات «کلیله و دمنه»
89.....	1- آهو.....
90.....	2- باخه.....
91.....	3- بط.....
92.....	4- پلنگ.....
92.....	5- خر.....
93.....	6- خرچنگ.....
93.....	7- راسو.....
94.....	8- روباه.....
94.....	9- غوک.....
95.....	10- کبوتر.....
96.....	11- گربه.....
96.....	12- گرگ.....
97.....	13- ماهی.....

فصل سوم: بررسی کنش‌های حیوانات و تحلیل ساختاری چند حکایت

100.....	بخش اول: بررسی کنش‌ها.....
100.....	1- آهو.....
100.....	2- باخه.....
101.....	3- بیر.....
101.....	4- بط.....
101.....	5- بوزینه.....
101.....	6- پلنگ.....
101.....	7- جغد.....
101.....	8- خر.....

102.....	9- خرچنگ
102.....	10- خرگوش
102.....	11- راسو
102.....	12- روباه
103.....	13- زاغ
103.....	14- شتر
103.....	15- شغال
104.....	16- شیر
106.....	17- غوك
107.....	18- فيل
107.....	19- كېك
107.....	20- كېوتر
107.....	21- گاو
107.....	22- گربه
108.....	23- گرگ
108.....	24- مار
108.....	25- ماهی
108.....	26- مرغ ماهیخوار
108.....	27- موش
109.....	بخش دوم: تحلیل ساختاری چند حکایت
109.....	1- حکایت «شیر و خرگوش»
111.....	1-1: بررسی ساختار کلی دو حکایت
113.....	1-2: تحلیل تشابهات
113.....	1-2-1: خصوصیات قهرمان در حکایت شیر و خرگوش
114.....	1-2-2: خصوصیات قهرمان در حکایت بهیم سین و باکه
115.....	1-3: خصوصیات ضد قهرمان
115.....	1-3-1: در حکایت شیر و خرگوش

115.....	2-3-1: در حکایت بهیم سین و باکه.....
116.....	4-1: چاره جویی ها.....
118.....	5-1: همانندیهای داستان ضحاک در شاهنامه با حکایت شیر و خرگوش و بهیما و باکه.....
118.....	1-5-1: خصوصیات قهرمان در داستان ضحاک.....
118.....	2-5-1: خصوصیات ضدقهرمان در داستان ضحاک.....
119.....	3-5-1: چاره جویی در داستان ضحاک.....
121.....	2- حکایت «شیر و گاو».....
122.....	3- بررسی تطبیقی ساختار داستان بوف و زاغ با داستان پادشاه جهود و نصرانیان:.....
127.....	4- داستان پادشاه و برهمنان در کلیله و دمنه.....
129.....	4-1 بررسی ساختاری داستان پادشاه و برهمنان در کلیله و دمنه با داستان بهرام گور و کنیزک در هفت پیکر نظامی

فصل چهارم: بیان دو عامل دیگر ماندگاری «کلیله و دمنه»

134.....	بخش اول: بررسی چند اندیشه‌ی بارز دینی.....
134.....	1-1: زن در کلیله و دمنه.....
138.....	2-1: زهد و ریاضت.....
139.....	3-1: دوستی و ایثار و حفظ پیمان.....
140.....	4-1: حفظ جانوران و محیط زیست.....
143.....	بخش دوم: کلیله و دمنه و تأویل‌های رمزی.....
153.....	فصل پنجم: نتیجه‌گیری.....
167.....	پی‌نوشت.....
182.....	تصاویر.....
193.....	چکیده انگلیسی (abstract).....
194.....	فهرست منابع.....

نمودارها:

- 156.....نمودار شماره (1)
157.....نمودار شماره (2)
158.....نمودار شماره (3)

جداول:

- 161.....جدول شماره (1) نمادها
163.....جدول شماره (2) کنشها
جدول شماره (3) تطبیق ساختاری چند حکایت از کلیله و دمنه با داستانهای در ادبیات
فارسی..... 166

فهرست تصاویر:

- تصویر 1: میترا در حال قربانی گاو (موزه واتیکان). (برگرفته از کتاب «آیین مهر»: 50).
- تصویر 2: دورگا، تجسم نیروی خلاقه‌ی شیوا (آیین مهر: 61).
- تصویر 3: خدای خورشید و کلاغ (آیین مهر: 52).
- تصویر 4: شیوا و خانواده‌ی او. شیوا در حال به رشته کشیدن جمجمه مردگان است. نقاشی کانگرا 1790، موزه‌ی ویکتوریا و آلبرت (شناخت اساطیر هند: 49).
- تصویر 5: دورگا، یکی از جنبه‌های زنانه‌ی ایزد بزرگ، شیوا، که زاده شد تا نابودگر دیوها باشد (دانشنامه اساطیر جهان: 444).
- تصویر 6: گرودا، شهریار پرندگان و مرکوب و ناقل ویشنو (شناخت اساطیر هند: 49).
- تصویر 7: جتایو، تجسم گرودا، در حال حمله به «راونا» است؛ در این نبرد جتایو زخمی شد اما چندان زنده ماند که «راما» را از ربوده شدن سیتا آگاه کند. نقاش مغول مربوط به سده‌ی هفتم (شناخت اساطیر هند: 106).
- تصویر 8: دستبند برنجین مربوط به دوره‌ی هخامنشی، مکشوفه از گنجینه جیحون (درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند: 157).
- تصویر 9: در آتش شدن سیتا برای اثبات پاکدامنی خود. نقاش مغولی سده هفدهم میلادی (شناخت اساطیر هند: 111).
- تصویر 10: کوزه‌ی مربوط به زمان اشکانیان (درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عصر باستان: 130).
- تصویر 11: تندیس سرسوتی، ایزدبانوی آب، شعر و موسیقی در هند (شناخت اساطیر هند: 159).
- تصویر 12: زن - آیین مهر: 52).
- تصویر 13: تندیس دیانا، ایزدبانوی ماه در روم باستان (دانشنامه اساطیر جهان: 384).
- تصویر 14: کامه خدای عشق سوار بر فیلی نمادین و به هم برشده از زنانی که در جستجوی محبت اویند. نقاشی تریچلی نوپولی، موزه‌ی ویکتوریا و آلبرت (شناخت اساطیر هند: 178).
- تصویر 15: کریشنا در حال رام کردن و رقصیدن بر تن اژدرمار اهریمن به نام کالیا، کالیا مقیم رود جمنا بود و کریشنا با رام کردن او به هنگام نوجوانی، مردمان ساحل رود را از وحشت رهانید. تندیس مفرغی از کهولا سده 16 میلادی، موزه ویکتوریا و آلبرت (شناخت اساطیر هند: 101).
- تصویر 16: تندیس آسکله پیوس، ایزد درمان در روم باستان (دانشنامه اساطیر جهان: 384).
- تصویر 17: تندیس «مانجوسری» (manjusri)، تجسم بودایی خرد (دانشنامه اساطیر جهان: 76).

فصل اول: کلیات

1- مقدمه:

اسطوره از مفاهیمی است که ارائه‌ی یک تعریف جامع از آن، که دربرگیرنده‌ی همه‌ی مفاهیم و مطابق با فرهنگ‌های مختلف باشد، کار دشواری است. پژوهشگران، بر اساس دیدگاه‌های خاص خود، تعاریفی از اسطوره ارائه داده‌اند. در این پژوهش نیز باید ابتدا تعریف خاصی از اسطوره پذیرفت و ارائه داد. ژاله آموزگار در بخش اساطیری «تاریخ ایران باستان» مطالبی درباره‌ی اسطوره آورده است که با مباحث پژوهش حاضر همخوانی بیشتری دارد:

«اسطوره واکنشی از ناتوانی انسان است در مقابله با درماندگی‌ها و ضعف او در برآوردن آرزوها و ترس او از حوادث غیر مترقبه. قدرت تخیل، نهایت فعالیت خود را در این زمینه انجام می‌دهد. خدایان به این ترتیب خلق می‌شوند و سپس به شهریاران و پهلوانان زمینی تبدیل می‌گردند و گاهی به عکس از شخصیتی تاریخی یا قهرمانی معمولی، موجودی اسطوره‌ای شکل می‌گیرد؛ به این صورت که همه‌ی ویژگی‌های یک موجود خارق‌العاده را به او نسبت می‌دهند... از سوی دیگر اسطوره تجسم احساسات آدمیان است به گونه‌ای ناخودآگاه، برای تقلیل گرفتاری‌ها یا اعتراض به اموری که برایشان نامطلوب و غیرعادلانه است و چون آن را تکرار می‌کنند آرامشی به آن‌ها دست می‌دهد...» (آموزگار، 1383: 54)

به عبارت دیگر، «اسطوره» بیان بینش و تفکر انسان ابتدایی در برخورد او با پدیده‌های پیرامونش است.

حضور مؤثر جانوران در حیات آدمی باعث شده این موجودات ابتدا در حیات اساطیری و سپس به شکل نمادین در خدمت بیان اندیشه‌های انسان‌ها قرار گیرند. حیوانات علاوه بر حضور در اساطیر و حماسه‌ها، بعدها در داستان‌های عرفانی، تعلیمی و قصه‌ها و حکایات پندآموز نیز نقش آفرینی می‌کنند و در برخی موارد پشتوانه‌ی نمادین و کهن خود را (هر چند کم‌رنگ) حفظ کرده‌اند و ریشه‌ی بعضی از خویشکامی‌هایشان را می‌توان در پشتوانه‌ی اسطوره‌ای آن‌ها مشاهده کرد.

1-1- تعریف نماد:

نماد معانی متفاوت و مختلفی دارد. در ایران نماد در معنای لغوی خود چنان‌که در لغت‌نامه‌ی دهخدا و به نقل از آندراج آمده است، به معنای «فاعل»، یعنی ظاهر کننده و نشان‌دهنده و مظهر واقع شدن است. اما در دوران جدید، این واژه عمدتاً در «غیر ما وُضِع له» به کار رفته است و غالباً با نقش‌های کنایی، استعاری و حتی گاه در معنای نشانه و علامت استعمال شده است. (ر.ک: قبادی، 1374: 339) کلمه‌ی نماد، برابر (symbole)، در زبان فرانسوی است؛ «لغت symbole از واژه‌ی یونانی «sumballein» می‌آید که به معنی به هم پیوستن و اتصال است. هر sumbalon در اصل

نشانه‌ای برای شناخت و بازشناسی بوده است، یعنی یک نیمه از آن چه را که هرگز ندیده باشند، چون برادر بدانند و بپذیرند.» (ستاری، 1366: 9)

نماد همیشه سرشار از راز و رمز است. «از ابتدا که معرفت بشری از افسانه‌ها و اساطیر فراتر آمده یعنی قالب فرضیه و فلسفه به خود گرفت تاکنون، تعریف نماد همچنان چند پهلو و ناگشوده باقی مانده است.» (قبادی، 1374: 342)

تعریف نماد از نظر اصطلاحی نیز بسیار گسترده و وسیع است و اغلب صاحب نظران، نماد را از دیدگاهی ویژه و سازگار با قلمرو کاری خویش تعریف کرده‌اند؛ چنان که روان‌شناسان، فلاسفه، اسطوره‌شناسان، ادیبان و... هر کدام تعریفی متفاوت از نماد ارائه داده‌اند؛ البته در همه‌ی این تعاریف یک نقطه‌ی مشترک وجود دارد و آن این است که: نماد بر معنی و مفهومی، ورای آن چه ظاهر آن می‌نماید دلالت دارد؛ معنی‌ای پوشیده و پنهان که باید کشف شود.

به تعریف نماد از چند دیدگاه مختلف اشاره می‌شود که این تعاریف برگرفته از مقاله‌ی «تظری بر نمادشناسی و اختلاف و اشتراک آن با استعاره و کنایه» است:

نماد در علم روان‌شناسی به معنی وجه آشکار و نمایان صورت مثالی ناشناخته و فی‌نفسه بیان‌نشده‌ی خود می‌تواند در جامه‌ی نمادهای مختلف ظاهر گردد. این نمادها به نوبه‌ی خود می‌توانند مجموعه‌ی صورت‌های گوناگونی را تشکیل دهند و به شکل دسته‌های تصاویر به هم پیوسته‌ای درآیند. از نظر یونگ، نمادهای گوناگون مجسم‌کننده‌ی صورت مثالی هستند. (ر.ک. باستید، 1370: 70)

«در فرهنگ فلسفی، نوشته‌های سمبلیک و نمادین، آثاری مبتنی بر صور الهامی در مقابل تفکر منطقی مبتنی بر معانی مجرد، تعریف شده است. میرچا الیاده رمز و نماد را دنباله و ادامه‌ی تجلی قداست در اساطیر توصیف کرده است. از نظر ادبی نیز هرگاه در اثر ادبی، ابزار و عناصری به خدمت گرفته شود که القاء‌کننده و مبین موضوع یا شیئی دیگر باشد یا عملی مطرح گردد که امر دیگر را القاء کند که هم خود باشد و هم مظهر مفاهیم فراتر از وجود عینی خود، «نماد» خوانده می‌شود.» (قبادی، 1374: 339-341)

همچنین نماد به حسب جایگاه آن در اثر و وسعت و شمول یا سیر تاریخی و طبیعی آن، به این گروه‌ها قابل تقسیم است:

تقسیم‌بندی بر حسب جایگاه نماد در اثر:

- 1- تصویرهای پراکنده: در صورتی که اثر، یک اثر ساختاری نباشد - مثلاً رمان، داستان، قصه، مثنوی یا قصیده نباشد یا تمام ساختار اثر ادبی، نمادین نباشد؛ همانند: غزلیات شمس، در این صورت نماد به صورت تصویرهای پراکنده جلوه می‌کند؛ مثلاً نماد سیمرخ در غزلیات.
- 2- ساختاری: مجموعه‌ی اثر، ساختاری نمادین دارد مانند: منطق الطیر عطار.

تقسیم‌بندی بر حسب وسعت و شمول نماد:

1- نمادهای عام: نمادهایی که گستره‌ی آن در حد یک کشور و حتی فراتر از ادبیات یک کشور است. مثل نماد کبوتر و برگ زیتون برای صلح.

2- نمادهای خاص: نمادهایی که نزد هر هنرمندی تعبیری متفاوت و متغیر دارد. مانند تصویرهای رمزی مولوی که خاص خود اوست.

نمادهای طبیعی نیز نمادهایی هستند که عموماً در ادبیات ریشه‌دار هستند ولی خیلی شناخته شده نیستند و تاریخی شده‌اند؛ و شاعر یا نویسنده این نماد را خلق نکرده بلکه قادر به کشف و استعمال آن شده است. (ر.ک: همان: 344-345).

1-2 نماد و اسطوره:

نماد در اساطیر - که مورد پژوهش ماست - جایگاه ویژه‌ای دارد و در واقع به منزله‌ی زبان اسطوره است. در واقع «نماد واسطه‌ی جاودانی‌ای است میان آن‌چه خرد درمی‌یابد و آن‌چه در نمی‌یابد. از این رو، بهترین زبان برای بیان اساطیر، زبان نماد است نه مفاهیم عقلی. هر انسان در هر دوره به نمادها قالبی نو می‌بخشد، بدین گونه که آن حقیقت جاودانه که نماد نمایشگر آن است، هر بار به صورتی تازه به ما عرضه می‌شود» (ستاری، 1366: 469). نمادها آبستن معانی و رازها هستند. یک نماد ممکن است یک معنی خاص را به ذهن القا کند و گاه یک نماد معانی و مفاهیم گوناگونی را در بطن خود جای داده است؛ به عبارت دیگر، معانی گوناگون و رازناک در قالب نماد پیچیده شده‌اند. نماد نشان دهنده‌ی تضادها و پیوندهای طبیعی و ماوراءطبیعی در دنیای اساطیر، افسانه‌ها، قصه‌ها و حماسه است. تضاد و تقابل خیر و شر، روشنی و تاریکی، زمین و آسمان، باران و خشکی، خورشید و ماه و... در داستان‌ها، اساطیر و افسانه‌ها و قصه‌ها و... به گونه‌ای نمادین، مانند جنگ خدایان و اهریمنان، جنگ زاغ و جغد، جنگ مار و پرنده و جنگ قهرمان با اژدها و... مطرح می‌شود که اغلب برای نشان دادن قطب‌های متضاد جهان است. از طرف دیگر با استفاده از نماد، می‌توان پیوند و آشتی تضادها را به نمایش گذاشت، مانند پیوند و آشتی خورشید و ماه یا پیوند روز و شب که به صورت ازدواج خورشید و ماه، در اساطیر مختلف ظاهر می‌شود و یا پیوند آب و آتش در برخی از اساطیر، مانند ارتباط «اگنی» (agni) و «تریته آپتیه»¹ (trita-āptiya) در اساطیر هند؛ بدین صورت که اگنی، خدای آتش، که خود از آب به وجود آمده است و پاک‌ترین فرزند آب‌هاست؛ برادرش «تریته آپتیه» را نیز از آب می‌آفریند و بعدها تریته با دیو خشکی می‌جنگد و او را شکست می‌-

دهد؛ (ر.ک: بهار، 1351: 48) پس نمادشناسی دانشی است که این پیوندها و تضادها را شناسایی و تفسیر می‌کند.

برخی نمادها از روزگار کهن شکل گرفته و در تفکرات، اندیشه‌ها و رؤیاهای اقوام گوناگون باقی مانده‌اند، بنابراین اندیشه‌ها و معانی رازناکی در نماد گنجانده شده است و می‌توان در فراسوی معنای ظاهری یک یا چند نماد، باور، اندیشه و چه بسا اسطوره‌ای کهن را یافت.

نمادهایی که زائیده‌ی معانی گوناگون و باورهای کهن هستند، با روان یک قوم یا روان مردم یک سرزمین یا فراتر از یک سرزمین پیوند دارند؛ بنابراین، نمی‌توان تولد و زایش این قبیل نمادها را در مکان و زمان خاص دانست بلکه چنین نمادهایی به خودی خود اندیشه‌ای هستند با پشتوانه‌ای محکم و کهن.

در بسیاری از آیین‌ها و ادیان، رفتار و اعمال نمادینی وجود داشته که از اعتقادات بنیادین آن‌ها به شمار می‌آمده است؛ بعدها این رفتار و اعمال نمادین، در ظاهر و جامه‌ای نو و مطابق با الگوهای حاکم بر جامعه، در داستان‌ها، قصه‌ها، حکایت‌ها و حتی در فعالیت‌های روزمره ظاهر شده‌اند. امروزه نیز بعضی اعمال و رفتارهای مردم، ریشه در باورهای کهن آن‌ها دارد و مردم ناخواسته و ناآگاهانه، به علت پیوند روانی با این قبیل اعمال نمادین، آن‌ها را انجام می‌دهند.² «گرچه دیگر اصل و علت انجام آن‌ها به دست فراموشی سپرده شده است... اما در ژرفای انسان، در خیال‌ها و رؤیاهایش، در پوششی از کهن‌الگوها می‌زید.» (واحد دوست، 1381: 93).

اسطوره و نماد پیوندی ناگسستنی دارند. «سمبل‌ها تجلی ایده‌آل حقایق و ارزش‌های مطلق انسانی یک دوره و یا یک قوم از جوامع بشری و اسطوره‌ها انگیزه‌ای برای پیدایش سمبل می‌باشند و این گونه است که دو مقوله‌ی سمبل و اسطوره در کنار هم معنی پیدا می‌کنند.» (دادور، 1385: 9). بنابراین می‌توان ضمن پیوستگی اسطوره و نماد، گذار اسطوره به نماد را نیز پذیرفت. «بعضی گفته‌اند واژه‌ی myth از ریشه‌ی mutus می‌آید که به معنی گنگ و خاموش است و این مفهوم خاموشی در مورد اموری مصداق و معنی پیدا می‌کند که به اقتضای ذات و سرشتشان جز از راه نماد بیان‌شدنی نیستند.» (ستاری، 1366: 9)

علاوه بر اساطیر، رؤیاها نیز زبانی نمادین دارند، میرجلال‌الدین کزازی درین باره می‌نویسد: «اسطوره‌ها و رؤیاها هر دو در قلمرو نمادهایند. هم اسطوره، هم رؤیا به زبانی پیچیده و چند سویه و رازآلود که زبان نمادهاست با ما سخن می‌گویند و نهفته‌هایشان را بر ما آشکار می‌سازند. نمادهای رؤیا بیشتر نمادهایی هستند که ناخودآگاه فردی آن‌ها را می‌آفریند و نمادهای اسطوره به یکبارگی نمادهایی هستند که از ناخودآگاه تباری و ناخودآگاهی جمعی برمی‌آیند. برای گزارش اسطوره و رؤیا و گشودن رازهایشان، به ناچار می‌باید با زبان نمادها آشنا بود.» (کزازی، 1372: 163)